

# کتابخانه

کتابخانه  
 (۲) زویمه - لا زویه  
 \* ایران - افغانستان \*  
 \* روس و ترکستان \*  
 (۱۰) مانت - مانت (۳ مانت)

این مجله از هر گونه علم و واقع سیاسی و منافع دولتی و فوائد عمومی منشأ میگیرد  
 مراسلات عام المنفعه منبسط و در انتشارش اداره آزادیست

تیرست مندرجات  
 \* تیرک \* معدرت \* سیاسی  
 \* تیرک \* تیرک \* نگارشی

تیرک  
 \* تیرک \* تیرک \* تیرک  
 \* تیرک \* تیرک \* تیرک  
 \* تیرک \* تیرک \* تیرک

تیرک  
 \* تیرک \* تیرک \* تیرک  
 \* تیرک \* تیرک \* تیرک  
 \* تیرک \* تیرک \* تیرک

تیرک  
 \* تیرک \* تیرک \* تیرک  
 \* تیرک \* تیرک \* تیرک  
 \* تیرک \* تیرک \* تیرک



و آمریکا. یعنی اگر دولت چین را فرصتی دست داده، موفق  
بر اصلاح امور داخلی و معانی نفوذین گردید. مثل آمریکا دست  
نصرف جمیع دولتها از خاک خود قطع خواهد نمود -  
و هرگاه یکی از دولتها علاوه برین میدان گوی مباحثت را  
بباید مانند دولت انگلیس و تحت شامتهای مد چین  
نیز و از گونه عدم قطع دست جمیع رقبه از دول ساکنه  
را خواهد نمود.

درین رو باید روابط دول ثلاثه روس، انگلیس، ژاپن  
را در چینی هم تجزیه و تحلیل و هم سیاسی و نهاده  
سازد و در صورت تجزیه دست. نهاده است و نهاده  
چین را گوی میدان رقابت در - ثلاثه روس و ژاپن  
و انگلیس باید دانست

دولت انگلیس عند محاسبات که سن گذشته  
با ژاپن بست بنامتت چند حقوق تجزیه و تجزیه  
خود در چین بوضه چه بگوید. در روسی که دولت  
روس در اقصای شرق پیش آمده می آید. جو او را  
بکفته نتواند گرفت. چون روس حقیقت پیش رفت  
مقاصد روس در چین مصر محل ژاپن بود. دولت  
ژاپن با این اتحاد با انگلیس را در برابر روس نعمت  
عبر متوجه دانست. در پیش آمد مورسیسی نمایان است  
که در اقصای شرق جنگ دولتین روس و ژاپن از  
امور حتمیه الوقوع است چه هر دو در یک میدان قدم  
بزنند. فلذا میدان وسیع ولی دوری آید که  
هر دو میدان را بجز یکدیگر نگینند

دولت ژاپن رسماً مطالبات برخی از حقوق خود را  
در ماده اجازتین کوریا و منجوریا بدریعه سمیر خود مقیم  
(تسبرگ) بوزارت خارجه روس پیش نموده. دانشندان  
- یات این حرکت رسانه دولت ژاپن را نصف اعلان  
جنگ تصور مینمایند. چه عقیده آنان بر این است که  
دولت روس بکنند و ژاپن را در کوریا تسلیم  
ناید. ولی هر گز در منجوریا قبول نخواهد کرد -  
هرگاه دولت روس مطالباتی و مطالبات ژاپن را رسماً  
رد نمود. با اصلاح پیشنهادمون باطناً قبول اعلان

جنگ را نموده است  
دولت انگلیس شد همان مصر و روس  
جنگ بین دولتین روس و ژاپن است. و مدتی تجربه ز  
درین میدان آزادی می در مر -

ون - مرور روس و روس - خود در دولت انگلیس  
در هر نقطه روس تصور است - همین در روس  
مدمقابل خویش در هر دو - انگلیس - روس - روس  
انگلیس برای - بگویند - خود - عم ریح و -  
بکاهد خیلی مال جنگ در روس است - به گردون  
روس و چ نیز باید - در - روس انگلیس  
در چین - روس و - در میدان روس ا  
انگلیس حل خواهد شد

دوم - دولت روس کام - روس و -  
واقف. و بگویند که هر - جنگ - روس  
و ژاپن در خود قوت روس در - روس  
خواه - گردید. و آهوت - روس - روس  
بر ارتوت روس - روس - روس - روس  
روس از مدلات ژاپن شد

حکایات

( ۲۸ )

حقیقت بود - در روس - روس  
زیاد میشود - عد ایسا - حساب آید  
(۶۰۰۰) آید - چه از - شد - روس  
عنائی را در - روس - روس - اطراف  
دو فوج دیگر در - روس - روس - روس  
در حفظ سرحدات خود - روس  
کلی اشعار باعار در - روس - روس  
حمله بر (فوسکی) نموده و - روس (۲۴)  
(۲۰۰) هر قشور عنائی در - روس - اطراف  
شهر را سنگر بستند - در - روس  
آنجا رسیده آغاز جنگ شد  
برخی اشعار کوشش در آتش و در (امریکن  
مشن کالج - مدرسه عنائی دعا امر که) در (حربوت)



بسیار بکوشید و بپایان برسانید.

تاریخنامه یکی از مآلات ایران  
زمانه کیوت نو پوشیده - دوره حوادث روزگار  
از کجا به کجا رسیده - جمال جهان آرای علوم و فنون  
دریده پایه جبریت نظارگیان گردیده - اشکال تألیفات  
به سوزی جلوه گر گشته - که اگر (اقلیدس) حکیم زنده  
بودی بر تحریرات خودش خط نسخ کشیدی - و نظام  
تصنیفات بپراچین یقینی وادله بسیی چنان منظم شده  
که اگر بطلموس - فیاسوف در هرصه گاه شهود چشم  
کشودی بر اوهام باطله و اجتهاد باطله خود اشک  
ندامت ریختی - از نتیجه افکار ابقار فباسوقان یوروب است که  
از فیض تعالیم و اثر تربیت بیجه های ده ساله ایشان مسائل  
مفکله علوم را دابند - و نکات صعبه حکمت را حلال  
یش بینی و حکمت این جماعت در ترویج و  
تفویق و تعالیم عمومی و نظم مدارس و درس گاه های  
ایشان از غرائب زمان و شرح بعضی ازان خالی از  
فوائد نیست بعضی حالات را ما در اینجا بطریق موجز  
شرح میدهم

دانشمندان اروپا همین که طفل را از شیر باز داشتند  
و بر آن داشتند که با غذاهای لطیف میل کند اقسام  
نان و حلویات و شیرینی ها که قناد و نان وایان آنها  
به عین حکمت بر حسب مشوره طیبیان دانای ملک  
پرست خود درست کرده و اکثر چیزهای خوردنی را  
به شکل حروف تهی می سازید و اشیای بازی را  
نیز بر همین نمط طیار مینمایند مادر و دایه طفل که لایق  
کم و زیاد با سواد است از آغاز با همین چیزهای  
خوردنی و اسباب بازی مفردات حروف هجا را به  
طفل یاد میدهند تا آن صور ماکه طفل شده صورت و شکل  
آن از ظاهر طفل محو نگردد - و هم درین بین در فکر  
حفظ صحت و ترقی و قوای روحانی و جسمانی اطفال  
چنان می کوشند که اطال چار پنج ساله این جماعت از  
اطفال هفت هشت ساله دیگر ملل چه در معلومات  
و چه در جهت و چه در همت و قوت افزون تر

میتابند - در عادات شبانه روزی و سته ضروری و  
خیال حفظ صحت جمیع افراد یرنج بزرگان رفتار می نمایند  
( باقی دارد )

نکاتوش یکی از خردمندان اروپا  
بپلم خود

ایران - وایرایان

نه بیی او شه شاهان - نه ترسی از گدا دارم  
بنانی در شان حق گو زبانی حق سنا دارم  
ای اهل ایران - دیر بازی نگذشته که شما بودید  
اعلم - اشجع - دولت مندترین دنیا - متصف به صفهای  
حمیده - اهل عالم هدایب از شما می یافتند - قلم و شمشیر  
بدست شما بود - و علم و عمل و انصاف و عدالت  
پاسبان دروازه شما - علمای شما کارها کردند - شعرای  
شما یادگارها بر صحنه روزگار گذاشتند - فاتحان شما  
سرکشان را ربه اطاعت برگردن نهادند و سلاطین و  
حکام شما به اجرای قوانین و سوابط گوسفند و گورک  
را در یک جوی آب خورانیدند - شما بودید که درین  
مهمان سرای زمانه همرمات گاه لبس شما بود - شما بودید  
که هرکس که در منزل ترقی با گذاشت بر اثر شما راه  
پیمود - حال که وقت کار آمد و جمیع ملل مختلفه عالم  
اسب همت به میدان حولان آوردند اسب شما لشک  
و پاش در کل بند شده از جا حرکت نکرده  
به حنیضی افتاده اید که هرچه خیرخواهان فریاد  
میزند و گوش شما نرسد - و بجای هر و رفته اید که  
جبل المتین با آن متانت نیز شما را نمیتواند بیرون کند  
مذالك در تعصب و کبر و خود پسندی که لازمه جهل و  
نادانی است گرفتار و از ساض غفلت و خودرانی مستمند  
مگر نه ایران مایکی بود خوش آب و هوا و زرخیز  
که اگر خواستید نمونه از بهمت برایش می کردید  
عجب درین است که از جهل و ضائق و سکر  
شفاق که بر شما محیط شده جای میوه از درختان خود زقوم بیرون  
آوردید و گلستان و صفای دامن کوه دشت و پراخلستان گل و



میباشد. در عادات شیاه روزی وستة ضروری و خیال حفظ صحیح افراد پرنج بزرگان رفتار می نمایند (باقی دارد)

نیکارش یکی از خردمندان اروپا است

بقلم خود

ایران - وایراییان

نه بیی از شه شاهان - نه ترسی از گدا دارم  
بنانی در بنان حق گو زبانی حق ستا دارم  
ای اهل ایران - دیر بازی نگذشته که شما بودید  
اعلم - اشجع - دولت مندترین دنیا - متصف به صفهای  
حمیده - اهل عالم هدایت از شما می یافتند - قلم و شمشیر  
پدست شما بود - و علم و عمل و انصاف و عدالت  
پاسبان دروازه شما - علمای شما کارها کردند - شعرای  
شما یادگارها بر صحنه روزگار گذاشتند - فاضلان شما  
سرکشان را ربه اطاعت برگردان نهادند و سلاطین و  
حکام شما به اجرای قوانین و صوابت گوسفند و گرگ  
را در یک جوی آب خورانیدند - شما بودید که درین  
مهمان سرای زمانه هر مات کاسه لیس شما بود - شما بودید  
که هر کس که در منزل ترقی با گذاشت بر اثر شما راه  
پیمود - حال که وقت کار آمد و جمیع ملل مختلفه عالم  
اسب همت به میدان جولان آوردند اسب شما لنگ  
و پاش در کل بند شده از جا حرکت نکردند  
به حنیفی اقتساده اید - که هر چه خیرخواهان فریاد  
می زنند به گوش شما نرسد - و بجای فرو رفته اید که  
جبل التین با آن متانت بز شما را نمیتواند بیرون کند  
مذالك در تعصب و کبر و خود پسندی که لازمه جهل و  
نادانی است گرفتار و از ساغر غفلت و خودرانی مستفید  
مگر نه ایران مایکی بود خوش آب و هوا و زرخیز  
که اگر خواستید نمونه از بهشت برینش می کردید  
عجب درین است که از جهل و نفاق و کبر  
شقایق که بر شا محیط شده جای میوه از درختان خود زقوم بیرون  
آوردند و گلستان و صفای دامن کومودشت ویران گلستان گل و

بکتابت و تالیفات

زمانه کیوت نو پوشیده - دوره حوادث روزگار  
از کجا به کجا رسیده - مجال جهان آرای علوم و فنون  
جدید طبع صورت بظارگیان گردیده - اشکال تالیفات  
به سهولت جلوه گر گشته - که اگر (اقلیدس) حکیم زنده  
بودی بر تحریرات خودش خط نسخ کشیدی - و نظام  
تصنیفات با برابری یقینی و ادله بدیهی چنان منظم شده  
که اگر بطلموس - فیلسوف در هر صه گاه شهود چشم  
کشودی بر او هام با طمله و اجتهاد با طله خود اشک  
ندامت ریختی - از نتیجه ادکار ابدکار فیلسوفان یوروب است که  
از فیض تعلیم و اثر تربیت بچه های ده ساله ایشان مسائل  
میفکند علوم را دایند - و نکات صعبه حکمت را حلال  
پیش بینی و حکمت این جماعت در ترویج و  
تشریح و تعلیم عمومی و نظم مدارس و درس گاهای  
ایشان از غرائب زمان و شرح بعضی ازان خالی از  
فوائد نیست بعضی حالات را ما در اینجا بطریق موجز  
شرح میدهم

دانشمندان اروپا همین که طفل را از شیر باز داشتند  
و بر آن داشتند که غذاهای لطیف میل کند اقسام  
نان و حلویات و شیرینیها که قناد و نان و این آنها  
به عین حکمت بر حسب مشوره طیبیان دانای ملک  
پرست سفود درست کرده و اکثر چیزهای خوردنی را  
به شکل حروف تهجی می سازند و اشیای بازی را  
نیز بر همین نمط طیار مینمایند مادر و دایه طفل که لایق  
کم و زیاد با سواد است از آغاز با همین چیزهای  
خوردنی و اشیای بازی مفردات حروف هجا را به  
طفل یاد میدهد تا آن صور ماکه طفل شده صورت و شکل  
آن از سطر طفل محو نگردد - و هم درین بین در فکر  
حفظ همت و ترقی و قوای روحانی و جسمانی اطفال  
چنان می کوشند که اطفال چار پنج ساله این جماعت از  
اطفال هفت هشت ساله دیگر ملل چه در معلومات  
یوچه در جهت و چه در جهت و قوت افزون تر

شلی نمودید اقوام مختلفه بر حال زار شما ها خنده مینمایند و ملل متمدنه از تعصب و جهل و نفاق شما تمثیلا دارند ای اهل ایران - گذشته از هرگونه ترقیات فرنگستان مات کثیف مردار خوار ژاپون را ملاحظه کنید و بر حال زار خود اشک ندامت ریزید - که در وسعت و آبادی و زرخیزی و آب و هوا و پاکیزگی و ذوق سلیم و عقل - تهتم و دایری ابد قبول نسبت با شماها نمیکردند - اهالی ژاپون مردمانی بودند نحیف - کوتاه قد درد رخ - مجهول - اگر تحت نگرانی دولت چین نبودند قرنها گذشته که یکی از ملل مغتایه اروپا بر ایشان تسلط یافتی - ساط نشان باج گذار چین و کم پایه تر از نوایان هند بود - حال ملاحظه نمائید که از برکت تحصیل علوم کارشان بجز رسیدن که هر يك از ساطنتهای فرنگ در حصول دیسقی با آنان بر دیگری سبقت میگیرند اگر تعصب بخمال نفع رسانیدن به ملک و مات باشد چنانچه تعصب اقوام یورپ است خیلی مفید و نتیجه به ترقی های گونه گونه است - و هرگاه محض خوددانی و خود پسند - و جهل مرکب است پناه بر خدا چنانچه مال اسلامی را تعصب های بر منیده بدنام شده اند - از یکطرف می خواهند خوب سنگ و آهن دیگران به خاک و بلاد ایشان آید و طلا و نقره از کشورهای ایشان به تدبر اقوام مختلفه بیرون رود - از طرف دیگر در احرای تجارت و خریداری مصنوعات دیگران مجبور هستند - مابرای العین ملاحظه میکنیم که اگر دیروز چار اشیاء صنعتی و تجارت ژاپون در بازار آمده به مصرف و فروش میرسید امروز ده رسیده و هر حسی از آنها وارد شد فوراً به فروش میرسد اصول تجارت قومی ایست که اولاً چیزی را از برای فروش در آن ملک بفرستند که باب آن ملک و ضرورت اهالی بدان باشد - دوم صنعت باید خوش ترکیب ارزان و استمالش سهل باشد - و این همه صفات در صنائع ماکی پیدا نخواهد شد تا وقتی که صنایعین از مذاق و پسند اهالی بلاد دیگر واقفیت نداشته باشند - لازم است اولاً

نقشه و صورت آن صنعت را کشفیده از مجلسی صحنه و عمل بر و نمایان ملت است اجازه ساختن آن را حاصل نمایند گذشته بر این تا این صنعت تازه در مشن ها طیار نشود گاهی ارزان تمام نخواهد شد و زیاد بفروش نخواهد رسید و قع زیاد نخواهد بخشید - تا تمام صومی در مات رواج نیابد و مردم علوم و فنون ضروره را مانند جغرافیای عام و خاص و نقشه کشی و علم تاریخ و علوم طبیعیات هندسه و هیئت و جبر افعال و علم طبیعیات و علم کیمیا را ندانند (مراد از کیمیا دانستن ماهیت و خاصیت نباتات و فلزات و حجریات و تغییر هر یکی که به ترکیب دیگری حاصل میشود میباشد - و این علم بسیار وسیع و از بدیهیات است - نه آن کیمیائی که نامش بر زبانهای ایرانیان جاریست و از جهل و نادانی و فریب فقرای دنیا طلب آسیا مردم را مبتلا ساخته اند که مس و زینق به محض انداختن آب فشرده نباتات طلاق خاطر میشود غافل ازینکه طلا از عنصریات بسیطه است و انسان بر ایجاد عنصریات بسیطه هرگز قدرت ندارد و اگر مثلاً به ترکیب بعض ادویه رنگ و وزن طلا را پیدا میکنند در حقیقت شین میک است - هرگز حکماء حکمت کیمیا آنرا طلا نخواهند گفت با این حال آسیائیان در پی حصول آن از بلکه مخارج بی حاصل کرده فقیر و بی چیز شده اند بجه قسم مقابله صنایع و اشیاء تجارتی ملل متمدنه که هر خریدی از افراد آن عالم و دانا و حکیم اند - بازار سوداگری گرم خواهند داشت و تا تجارت ملق در اکثر ممالک رونق نه پذیرد تمول و دولت مندی هموم ملت بلکه عزت و آبروی قومی باقتضای این عصر مجال مندو محاق است (باقی دارد)

### صناعات و تجارت

ترقی تجارت و صناعت را دانشمندان ملل در امور ذیل یافته اند  
 (۱) اصلاح اخلاق صنایعین و تکمیل نواقص صنعت و راست بازی و دیانت شماری در معاملات تجارت



سائر شرکتها اصلاح یابد و هم بقوت دولت آن کبابی و کارخانه صنایع و تجارتی ترقی نموده توسعه حاصل نماید و وافع آن بزور دولت بر طرف شود در صورتیکه دولت قابل بر این مراتب باشد

(۷) اشهرات تجاری چنانچه متداول تمام تجارتها می ونوعی اروپاست. چه اشهرات اسباب بزرگ ترقی تجارت و صنعت است. چنانچه همه مشاهده نموده و معاینه مینمایم در اروپا هر دستگاه تجاری بازاری کبابی و شراکت تشکیل میشود اولاً از عین سرمایه حصه بجهت اعلان و اشهار مقرر مینمایند (داکتر هاروی) رپورت داده که من سالانه ده هزار روپیه سرمایه ادویه میکنم و یکصد هزار روپیه خرج اشهرات مینمایم - و یکصد و سی و چهل هزار روپیه بر میدارم امثال (داکتر هاروی) در اروپا بسیار اند

مکتوب یکی از میاچین ایران

از شماره ۳۱ سال دهم

از یکو هائمی ژاپون

در همان سال که مات ژاپون تا درجه دست اجانب را از مملکت خود قطع کرده و نامتعه خویش قانع شدند مردم شهری شده است و سه میلیون و هشتاد و شش هزار و نهصد و هفت نفر بحساب آمدند. سه سال بعد از آن شماره مردمان ژاپون بالغ بر بیست و چهار میلیون شده بود. در عرصه هفت سال چهل و هشت مدارس صنایع در ژاپون احداث گردید و سی و شش نفر دامایان و جوانان تعلیم را بجهت آموختن فنون صنعت در مدارس صنایع اروپا فرستادند. متمولین ژاپون انحاء نموده سرمایه خود کارخانجات بسیار با تمام معامین آن در ژاپون آورده. تا مکت ژاپون که دارای علم ماند عمل را هم پیاموزند رویناده ده ساله ژاپون از تمام محکمجات ظاهر داشت که علاوه بر تمول مکت که از حد احصی پیش بود هشت میلیون لیرا دخل دولت زیاد شده و آنچه دولت مداخل میکرد صرف اعتبار مملکت و ملک مینمود چون انجالت را

(۱) تدبیر در ترقی قیمت اشیاء و اجناس تجاری بوسیله مملکت و دولت نیز ضرر وارد نیساید. واقعاً درین دو صفت تجار غیر محترم ما گوی مسابقت را از هیچ ماله بر آورده اند خصوصاً نریاکیها دیگر گوی تلب را از همه آنها هم بر آورده اند. در ایران جنبه که به پول نزدیکتر باشد از نریاکی نداشتیم. روی هم رفته سالی بیست هزار صندوق نریاکی از ایران خارج می شد کم از تلب تجار غیر محترم کار بجائی کشیده که در بازارهای خارجه به هیچ قیمت نمی خریدند ماشاء الله و بر با داش گریک بجای آنکه تدبیری در رفع تلب نریاکی کند که این تجارت در خارجه زمین نخورد بر عکس گریک زیادی در خروج از ایران بروی آن گذارده که یک مرتبه این تجارت از خارجه قطع شده جوانان شیر افکن ما زمین گیر گردند. تا هرگاه شخص خارجی بر ما حمله نماید بدون هیچ طمی تسایم شویم بی - شخص خارجی را که دولت تا این درجه بر ملت خود اقتدار می بخشد بهتر ازین نتیجه حاصل نمیشود امروز وزیر گریک و رئیس بانک استراضی روس و شخص اول دولت در این ماض این سلطنت نش هزار ساله دستشان یکی است

(۲) ابداع مدارس صنایع و تمام صنایع و تشکیل کبابیها و قائم نمودن شراکات. چه تا وقت دولت متمولین و زحمت پیشه وران مساعد یکدیگر نشوند ترقی صنعت و درستق اخلاق صنایع دشوار است

(۳) ترتیب قانون تجارت و ضوابط و قواعد کبابی و شراکت در حفظ مال التجار بوسیله مملکت مثل خزان دول محفوظ باشد. صافی حساب باصولیک بر باد کننده تلب شود و رفع اختلافات قبل از وقوع

(۴) قائم نمودن کارخانجات و ماشینهاییکه تعلیم یافتگان بتوانند علوم خود را به عمل آورند. تا از علمشان صنایع مملکت ترقی یافته و رفع احتیاج مملکت و ملت گردند

(۵) در هر کبابی شراکت و افتتاح کارخانجات تا اندازه شرکت دولت لازم است (ولی نه دولت ایران که بجز اختلاف ملت را قایل مینماید) که هم اخلاقی

متمولین مملکت مشاهده کردند که خزینة دولت ذخیره آنهاست در هر امر مؤبد دولت گردیده از جان و حال دریغ نمیکردند. قانون ژاپون را دولت بمشوره رعایا مرتب کرد. و آنچه مینمود بدون مشوره ملت بود. کم کم فرد فرد ملت در معاملات مایکی خود را چون یکی از شرکای دولت می شمردند ازین صفات و حرکات دولت - بقدری ملت محبت پادشاه را در دل های خود جای دادند که جرانان خطاب پدر و پیر مردان چون فرزند پادشاه خود را می پرستیدند - ازین مراتب مذکوره مردمان و حتی ژاپون خود را بمقامی رسانیده اند که اول ملت متمدن آسیا نامزد شده برابری دل برری با ملت تربیت شده سبده ساله فرنک مینمایند. حالت حالیه ژاپون لازم به بیان نیست - و شاید اگر ذکر کنیم مردمان کم خبرت وطن محترم ما محمول بقصص و حکایات نباشند. این بود شمه که میخواستم از احوال دولت و ملت ژاپونیا بگویم و حتی برین نام مان آسیا محسوب بود عرض کنم

مقصود تاریخ نگاری نیست قصه و حکایت نمینویسیم این مراتب که ذکر شد بواسطه آنست که ملت نجیب ایران از اصول پیشرفت ترقیات مالی خارجه واقف شوند - شالوده تمام ترقیات ملکی و ملی رفع احتیاج ملت است و رفع احتیاج ملت منحصر است بدانش و استحضار ملت بلوم و فنون عدیة موجبه وقت تا ببرکت آن علوم و فنون بتوانند رفع احتیاج خود را از خارجه بنمایند تمام خرابیهای ما در آن است که طبع مان بلند و همت مان پست است بواسطه نزاکت امته خارجه طبع جدت پسند ما مائل بآنها میشود - و بسبب همت مان هم مانع است که در صدق برآمده مثل باندی طبع خود صنعت خودمان را ترقی دهیم (راقم م - و)

مکتوب یکی از علمای جلیل مدظله العالی

بسمه تبارک و تعالی

و بدو الاسلام - لیسناه الله مؤیدو منصور داین

باشید - چندی قبل یکی از علمای اعلام که تا اندازه سمت استادی بجهنایعالی دارد یعنی در تقریر ایشان شمولیت داشته اید بیلین فرمود  
(پس از حرکت مدیر جیل الملتین بحاجب هندوستان متأسف بودم که با این جودت عقل و قراحت ذهن مهاجرتشان شایسته نبود - چه عقیده بر این داشتم هرگاه چندی دیگر توقف میکرد - در عوالم اسلامیت خدمات شایان و امور بایان از ایشان بروز مینمود - پس از چندی که جریده جیل الملتین بلمسم بهان اشاعت یافت بدو چون تصور میکردم از ذی خود خراج شده - و از مسلك عالم بیرون رفته - ترك مشرب آبائی گفته - در مسلك جراید نگاران افتاده است مشمتر الحاطر گردیدم - چون هماره روزنامه بنام من میفرستند - و مسبق بحال نگارنده بودم - گاهی در اوقات بیکاری بمطالعه اش میپرداختم - کم کم چون آشنا بمطالاب و مقالات و مصطلحاتش گردیده دیدم - در راه اسلام خدمتی را اختیار کرده فوق خدمتها - مقاصد مهمه را که سید جلیل القدر علم الهدی سید مرتضی اعلی الله مقامه مدنظر گرفته آغاز نموده بود - این سید بزرگوار پیروی کرده انجام داد - و فنه رفته قرائت روزنامه جیل الملتین را مقدم بر جمیع اشغال لازمه خود شاخته هر هفته خدمتی اهنر باسلام - و در هر شماره ترویجی و اختراش شریعت در او مشاهده کردم - منجمه خطبات وی عطف توجه علمای اعلام کثرتاً اتمالهم بمقتضیات وقت و موافقت زمان است - چه اگر این سید جلیل که علمای اعلام کاملاً مسبق بحال او بودند در این جاده نیوقتاده بود بیرون از تصور مینمود که علماء اوقات مبارک خود را صرف قرائت اخبار نمایند - و هرگاه آشنا بخواندن جراید نمیکردند تا ایندرجه از وضع سبب سلامت اسلام - و تا این پایه از حکمت عملی بحاجب در اضمحلال فسادین تاملع نمیکردند - الحق خدمتی در خوردن کثرت و لطافت وجودت و بیکساست بودی که خود در راه سلامت و امنیت احتیاج نموده است -

زاد اقبالیده و توفیق

مقصود آنست که خیالات عظامی اعلام کثیره امانت را در پرتو خورشید و روزنامه مقدس بدانید که روزنامه حبل المتین را از خوبی تصویر کرده بر روش شما را هم از مسلك خویش خارج نیدانند - و جناب عالی را علناً با لقب رسمی اسلام یاد میفرمایند - اقتضای سیاسی را در دنیا همین بر سر و اجرتان را در آخرت بخدات اسلام و اسلامیان کافی تواند بود - هرگاه جناب عالی از مسلك آبائی کناره گرفته - و به مشغله غیر از این اشتغال ورزیده بودید - البته عاقبتی بدر بل معلوم در نزد عظامی اعلام بودید - ولی با این خدمات به امت اسلام و حمایت از شریعت مطهره بدر بزرگوار و اجداد عالی وقار و عظامی دیندار را از خود خوشنود و راضی نمودید ( حنیاً لاریاب النمیم نعیم )

ای حامی اسلام - و مؤید مسلمان - سهو و سپردن - ریش و هراسان است - هرگاه نسبت بسیاری بجنابت داده شود باین خادم شریعت خورده مگیر - سکه از راه خیرخواهی بوده و تکلیف شرعی چنین اقتضا نموده است - ( والمذنب عند کرام الداس مقبول )

در شماره سی و ششم نامه مقدس سکه صورت تاگراف عظامی اعلام نجف اشرف کثرت امانت را به اعلیحضرت پادشاه ایران خلافت مکه و حضرت ولایت عهد نگاشته رده های (خان) مات دولت را بطریق هم نسبت بهای کبار که درین ایام غیبت حجت خدا - و واسطه بین خلق خدا و رسول خدا و ائمه هدی مستند اشاره نموده - و زندقه های ویرا در حضور پادشاه اسلام علناً آشکارا کرده اید - چرا نباید جواب آن رده های زندقه آمر را از طرف خود بطریق کافی و شافی بدهید ؟ العباد بالله آیا مانند جنابانی شخصی که خود را فدای دین اسلام و شریعت مطهره قرار داده و این در مسلك عظامی اعلام است - است که خیالات هموم مردم بر سر ای امانت و احوال (خان) مکتب و دولت ( که خداوند ریشه اش را بر کند ) بنامید و در چنین آ

مورد اهم بیگانه نشیند ؟ آیا از جنابانی زبند است که این رده های کفر آمیز را درباره عموم عظامی اعلام کثرت امانت اصفا کرده - قلم خود را در هم شکنید ؟ هرگاه این خطا از روی عمد بوده استغفار لازم - و اگر از راه سهو شده تنبه و تذکر برای آینه در کار است بی چون ( خان ) را در اعتراضاتیکه عظامی اعلام نموده هیچگونه جوابی نیست - بدینگونه رده های کفر آمیز پادشاه صاف درون اسلام خواه و باغضال انداخته آفتابی را با گل اندود کرده است - از طرف دیگر از جانب اعلیحضرت همایونی عظامی اعلام را بخراقات لا یتف خواسته ساکت و اذعان نماید - فعلاً ما را به رده های کفر آمیز او سیکاری نیست - چه عنقریب بدرای خود خواهد رسید - آری گرجی زاده فاسد عقیده که از نژاد شراب فروش باشد و قتیکه تا این درجه در دولت اسلام صاحب نفوذ و رسوخ گردد - ما را بیش ازین اقدر و مزاک نماید - و اسفاه علی الاسلام !

چون بعضی ملبسین بلباس عظامی در ایران پیدا شده که برای جلب قلوب عوام کالاهام خویشان را بنادای زده اولیاء ( خان ) دولت را بشبه انداخته اند - که عظامی اعلام کثرت امانت - عموماً از امور سیاسی بی بهره و از روز ملک آرائی غیر واقفند - و آنانرا بدین نکات بی اصل و بن اقتضای میتوان کرد ( که مفرصین القای شبهه نموده اند ) بروج پر فتوح صاحب شریعت مطهره صلوات الله و سلامه علیه قسم است - که امروز روز عظامی اعلام بمرز سیامت و نکات مملکت آرائی و مات یرائی را بهتر ازین ( خانین ) بد سرشت دانسته بیشتر از خرابیهای ملک و مات اسلام واقفند

آنچه بیند عالم اندر خست خام  
می نه بیند جاهل اندر آینه

آیا در کدام يك از اعتراضات عظامی اعلام کثرت امانت تصور القای شبهه مفرصین تواند شد ؟ اگر در خارجه عمل مسکوکات القای شبهه شده پس بفران ایران نسبت به مجیدی عظامی ( که هر دو مبادله

قره به قره است) چرا باید از صف هم کمتر شود ؟  
 هم دیده اند که تا چند سال قبل بخبران در مبادله  
 يك مجیدی داده می شد - امروز قریب به یازده قران  
 در مبادله يك مجیدی باید داد  
 آیا دولت روس امتیاز ضربخانه ایران را نگرفته  
 هیچ قرانی در مملکت خود ضرب نکرده - و در حال  
 ایران رواج نداده است ؟  
 آیا در اعتشاش جمع و خرج مآیات ایران که بدرجه  
 شیاع رسیده کسی را جای شبهه باقی است ؟  
 آیا در تحمیلات شاقه و ادای کمرک فوق العاده  
 ماب فلك رده بچاره را مجبور نموده اید ؟ اگر دروغ  
 است پس تعرفه نامه جدید کمرک که بدستخط شخص  
 شخصیت پادشاه مریخ شده چیست ؟  
 آیا در تسلط کفار بر مسلمانان شبهه شده  
 است ؟ عا ار تسلط کفار نجاب در داخله ایران بر  
 مسلمانان چشم پوشیدیم - شخص باژیکی را که در دولت  
 اسلام عهد و وزیر دارالشوری - وزیر کل گمرکات - وزیر  
 کل بیت حاکمات داده اید - تسلط کفار بر مسلمانان  
 بیست ؟ بالغ بر یاصد نفر ارمنه حائز و نژادیکان خود  
 عرش را در ادارات دولتی که مبتلا به حیدر مسلمانان  
 است مستخدم کرده - رئیس و برک مسلمانان نموده اید  
 ( که عاقبت همین ها مات و دولت ایران را بر باد خواهند  
 داد) تسلط کفار بر مسلمانان نمیباشد ؟  
 آیا استیلای روس را در هر نقطه ورشته و امتیازات  
 بی دری او در داخله ایران از قبیل راه هلمی  
 شوسه وغیره وغیره داده و میدهند - دروغ است ؟  
 اشاء مسکرات و علانیه بیع و شرای مسکرات  
 اگر کذب است - چرا در قانون کمرک منع نه نموده ؟  
 و علانیه از دخواتش بایران که قبله اسلام است کمرک  
 ( که در حقیقت در این موقع مرد دارخواری است ) گرفته  
 علناً در مملکت اسلام وارد می نمایند ؟ ( کجایم ) دولت  
 که دعوی اسلام و مسلمانان می نمایند از خدا و رسول  
 شرم نکرده - از مسلمانان آزارم نه نموده - خوب بود

از رجال خارجه خارج از اسلام بشوم کرده - و در وقت  
 این امثال ایشان را بیست و نوبت سطره در این مملکت  
 اسلام کلمه نموده تا کسی با عهد حضرت زکی سلطان اسلامیان  
 پناه آسمانی نسبتاً اقلاً بکلیت برود و غیرت اسلامی  
 میدادید ؟  
 هرگاه استراض می شود بخرج غیر معلوم داده -  
 اءالایکه محض قریب دادن و دفاع مسکرون و اسکان  
 ملت بیچاره در روزنامه رسمی منبج استراض اولیه  
 دادید چه بود ؟  
 آیا یکی از مواعیه تیکه ملت ازین وجه استراضی  
 داده شده افتا گردید ؟ عنوان احلاق رسمی در روزنامه  
 رسمی ایران احذیراً فراموش نشده و تقریباً فراموش  
 نخواهد شد  
 آیا ازین وجه استراضی سد اهواز را بشیفته ؟  
 آیا ازین وجه تیکه ملت را رخص گذارده گرفتید بنگ  
 دولتی باز گردید ؟ آیا بصره عسکر و استحكامات  
 سرحدی ازین وجه چیزی رسانیدید ؟ آیا ازین وجوه  
 برای مات مدرسه ساختید ؟ آیا ازین وجه که فرادان تغییر  
 بیکار در بدرگرسنه ایران باید که کدین و قرنی کجین از  
 قوت خود کم مسکرونه به بردازند - بکلیج کار حاجات  
 صنایع آوزدید ؟ که اقلان آنها را نکال مشغول دارید -  
 و کم از کم يك شعبه احتیاجات مسلمانان به احاطه کم کردد  
 آیا ازین وجوه راه آهن داخله را ساختید ؟  
 سهیل طرق تجارت و تسلیح معابر کلمه ابرار نموده ؟  
 آیا ازین وجوه معادن ایران را که دولت و ثروت  
 بر خالک مات و مالک است بکار انداختید ؟  
 آیا ازین وجوه اردوی نظامی جدیدی برای  
 گامداری مملکت و حرارت و حفاظت بیضه اسلام  
 تشکیل دادید ؟  
 آیا ازین وجوه لشکرکشی و جنگی نمودید ؟ و از  
 ممالک اسلام که بواسطه بی دانشی و بی کفایتی شما  
 و نالایقی مثل شاهان در قبضه شما بماند قوی بچود و  
 آهنگ باز گرفتید ؟

داده - اسناد دولت ایران که مبادی است و دو میلیون و نیم مینات میباشد - از ابتدای سیال هزار و نصد میلادی خریداری نماید - و بموجب همین اجازه امپراطوری اداره بانک مزبور باوکلاهی دولت عایه ایران شرطنامه بشروط دلیلیت رد و بدل نموده اند

(۱) در مقابل اصل و فرج این استقراض جمیع واردات گمرک خانههای ایران به استثنای گمرکات بنادر خلیج فارس در مدت هفتاد و پنج سال بعنوان رهن میباشد (۲) هرگاه در ادای قسطی از اقساط مقرر از جانب دولت ایران تأخیری روی دهد بانک استقراضی اختیار دارد که از طرف خود در سرگمرکات سرهوه (کافول - ماورین تخصیصیه) معین نماید

(۳) دولت ایران متعهد شده که از همین وجه استقراضی جمیع قروض خارجه خود را که از سابق داشته است ادا نماید

(۴) مادام که این فرضه را دولت ایران ادا نکند بدون مساعدت و استیذان از بانک استقراضی روس از خارجه حق هیچگونه استقراض نخواهد داشت

(۵) دولت ایران به بانک استقراضی روس اجازه داده است که اگر صلاح و لازم بداند مابقی اسناد استقراضی دولت ایران را مردنمه بانفاذه وجه قرض در بازار تجارتی ایران بفشانت و اعتبار امپراطور روس بواج دهد - و غیره - و غیره

بالجمله - دولت روس این نکته را از سلیس دانسه بود - که ملت غیور ایران در برابر اینگونه مذلتا نرفته و نخواهد رفت - اولی بکلیفی که بدولت ایران در استقراض اولیه نمود این بود - که بنویسند اخبار رسمی امعاهده استقراضی کرده - اطلاق داده - تا معلوم شود که ملت را مخالفی بدین امر بادولت هست یا نه - این بود که (کاتین) در اخبار (ایران) که جریده رسمی دولت است برخلاف موضع همیشه خود مدبر بوده - عقوه این معاهده را بمبارت و کلیات بفرجه تمهید و تدلیم نموده رسد

در هرگاه اینچنین بود که در بین واقع دولت اسارت جمیع و مابقی همانرا بیکت اعلام است - دیناری صرف اعلام و مابقی اسناد شده سرخیشو ...  
 و آخرت که در این احوال و اقوال میشومه شاهان تختی دستور بوده و هست - که جای القای شبهه برای اعلام باشد - در چنین تصور کنید که عایهی اعلام کثرت امثالهم هیچیک از نکات سیاسی و دقایق داری را نمی دانند - آیا امور حسیه را نیز متوجه نیستند - جمیع مواردی که عایهی اعلام تاگرافاً و کتیباً بآی حضرت ملوکانه و ولایت عهد نوشته و زده اند محسوس است که هرذی حسیه نیز میتواند داد - لازم به نیست سنی و تدبیر و سیاست نیوده نیست - و القای شبهه در امور حسیه درکار نباشد

مذالك برای اینکه (خائین) از رجال دولت مذکر شوند که عایهی اعلام کثرت امثالهم بی مضار و معاصد و حرکات و سکنات آورده - و از جزئیات اعمالشان واقفند - و از خیالات (کثرت) آنان بی اطلاع نیستند - صرف شبهه این مضار مایه استقراض اولیه ایکه از روس شده و هرذی حسیه ولو آنکه هر قدر خرفت باشد استدراک میتواند نمود پس از میبایم - تا معلوم شود که از بدو امر مقصود این (خائین) فریب است - واسکات رعایا و اغفال پادشاه اسلام - واقراض دولت ازین دو دمان بوده است - برای استظهار خائیکه بدین درجه ملت اسلام را آله اغراض فاسده خود ساخته - و دولت عایه ایران باغسال انداخته - و بدین وسیله میخواهد امپراطور روسی سپارد و بعضی شروط استقراض اولیه را که رسماً در چراند رسمی دولتین ایران و روس اشاعت یافته و منکاریم - و در این میان ...  
 در مقابل بلخس اعلام در روسی ...  
 در مقابل دولت روسی بر حسب خواست امپراطوریت پادشاه ایران ... از دیدگاه دوستی و برادری و ...  
 در مقابل یکدیگر و ...  
 در مقابل دولتین ... خود اجازت

استقراس از روس را اشاعت و اعلان دادند  
 خائین در اخبار ( ایران ) پس از چیدن مقدمات  
 لاطفاً ایکه تماش لاطفی بود و از عنوائش جز قریب  
 بدفای مات هیچ استنباط نمی شد عات این استقراس  
 انکاهات رهیده پوسیده نکاشتند - قطعاً نگارنده اخبار  
 بران که در حکم ( المأمور معذور ) است از نگارش  
 ن عناوین لاطائل شرم کرده از سوق کلامش بخوبی  
 بن گفته استفاد میشود

اخبار مذکور مینویسد - ازین وجه استقراسی چند  
 ضرورتات قرض رژی داده خواهد شد - و یک  
 زور و چیری قروض داخله خود را دولت خواهد  
 داخ - و اندکی نیز بواجب پس افتاده و بکر خواهند  
 اد - تمه صرف ستر - داهوار و تشکیل باگ - دواق و  
 حرات میده محال ملایه و مات خواهد گردید

در همان آوان اخبار ( ایران ) سپس شرایط قرضه  
 شماره کرده مینویسد - که چون دولت عایه ایران را  
 اربن و بعد ضرورت قرض نخواهد شد قرار داده که  
 مدت ادای این قرضه که هفتاد و پنج سال است  
 بدون صلاح از دولت روس و مشوره آن از دول  
 دیگر استقراس به ماند - ( خداوند دهنه قلمش ارادهم  
 شکند که بوسیله همین شرط آزادی مطلقه دولت شش هزار  
 - الیه ابرار با هفتاد و پنج سال که نام برومندی اوست  
 بایشه خراب و طمع درهم شکستند - و سگی بدین عظامت و  
 زرگی را که احدی ارمی مان قروطیه و تجار و رشکست  
 خود می پسندند بروی مات و دولت ایران و پادشاه  
 اسلام نهادند ( خان ) دولت بدریبه همین شرط  
 خیالات ( مکتونه ) خود که انقراس سلطنت ازین دوستان  
 و سپردن ایران روس است مقصود المرام گردید - و مسلم  
 است درین عصر خروج و ترقی دولتی که خود را  
 تقیاد و بیخ سال دولت قوت و اقتدار دعوات حریص  
 نظامی خاندان روس انگازد شک و شبیه در انجمن لاله و  
 اهل امتی خواهد صرف - و خنایا دولت اسلام را از  
 کاین ممالک خاندان روسی بخطر جان و مال

باز ( خائین ) در روزنامه ( ایران ) محض ذکا و عرب  
 مات ( که اهمیت شرط اول و دوم این شرطنامه منحوسه  
 را از انظار دور نمایند ) مینویسد که ضامن ادایی این  
 قرض دخل گمرکات است چون دخل گمرکات روز افزون  
 بواسطه ترقی تجارت در تراید - نوبده دولت همه جزوه  
 کم خواهد شد خوف عقب ماندن اقساط این استقراس  
 هیچ وجه نیست

روزنامه مزبور که امراد ملت بچاره زبان دولت  
 فلک زده خود میداند برای ایسکه رطایا متوجه کلیات  
 اضرار مالیه این استقراس نشوند در آغاز این عنوان و جدها  
 کرده - شکرها نموده که دولت عایه ایران از خوشبختی  
 بحصول این استقراس ( که رشته اسارت ملت را محکم  
 می نماید - و دولت را مضمحل می سازد ) نائل آمد و  
 از ادای تزیل دوازده و هیجده فی صد به - رجه و  
 داخله قراغت حاصل نمود - و بسود تومانی از یک  
 شاهیم کمتر نائل باین استقراس گردید ( چون در ایران  
 بواسطه فقر و قات ثروت نبودن وجه - حتی در تجار و  
 تزیل تومانی یک عباسی و سه شاهی رواج است - که صد  
 بیست و چهار صد هیجده می شود - مساوی و دو تومانی  
 یک شاهی که صدشش باشد خیلی سطرها کم جلو میناید )

اخبار مذکور بدینسانه مینویسد - تزیلیکه  
 دولت عایه بجمله این استقراس میدهد معادل است  
 ما تزیلیکه برای جزئی قرضیکه از خارج و داخله داشت  
 ( یعنی مات اربن فع تی بانیکه دولتشان را صیب شده بوجه  
 آمده مسرور گردند )

بعد از محض قریب مات بصراحت اشاره نمودند  
 چون ادای اقساط این قرض طایفه مبالغ قابل نیست  
 بیست و دخل گمرکات ایران خیلی اضافه بر این اقساط  
 قرض میباشد - هیچگونه امکان باین دولت گمرکات آرد  
 پیش نخواهد آمد - و بی خائین - میبایست بگویند و  
 متذکران این نکته - که دولت که باین اقساط منحوسه  
 معذور میشود - تا امروز در هیچ کشور و بیست و  
 گمرکات قرض نموده اند - و خائین و خائینان

و تومانی يك شاهی - حاکم مات و دولت ایران را تمام  
 مینماید ! و آنهم در سر فرنگ میچاول حائین دولت  
 به بنما رود ! اف بر این مدرک ! و تف بر این داش  
 برای اینکه حائین مات و دولت بدانند که علای  
 اعلام کتافه امثالهم از جزئی جزئی مضار و مفساد  
 افعال و اقوال آنان با خبر و هیچگونه القای شبهه بر  
 آنها نشده و نمی تواند شد - صرف حساب اصل و  
 فرع چهل کرور استقراسی که دولت ایران محاسب تومانی  
 يك شاهی (که در حصول بدان رجال حائین دولت در  
 روز نامه رسمی وجدها نموده و در نظر مات از  
 اقبال و زوال اعلی حضرت اقدس هاپونی جلوه میدادند)  
 مینمایم - تا بدانند که علای اعلام حایع نکات را دانسته  
 و میدانند - و ازین و بعد رطاه حرکات میشومند آنها  
 را در پرده استتار نخواهد داشت - و علای اعلام در  
 اضمحلال مات و دولت اسلام پیش ازین صبر و تحمل  
 و سکوت نخواهند نمود -

اطف حق با تو مدارا ها کند

چونکه از حد گذرد رسوا کند

قرضه دولت - یا اسارت مات

باری - از صورت حساب دلیل و حوجهیکه ناید مات  
 اصلا و فرعاً ناهمتاد و پنج سال به حساب مرل  
 تومانی یکشاهی در ازای چهل کرور تومانی که از روس  
 قرض نموده و (خائین) صرف نوامیس خواتین فرنگ  
 کرده اند قلم قلم روشن میگردد - در رای چهل کرور  
 تومانی مات فلک زده بخت برگشته باید صدوسی و يك  
 کرور و یکصد هزار تومان پول بیکه بپین و عرفی جبین  
 پیدا کرده بروس بدهند - اف بر این رعیت بروی  
 و ملت شناسی ۱۱۱

همه يك از (خائین) دولت میتوانند القای شبهه  
 که علای اعلام در ماده این استقراس یا امور مذکوره  
 دیگر بنده به پایانند بذریعه جبل التین خوب است علای  
 اعلام را متذکر سازند - و تومانی و بعد غایب نکات ابلیس  
 فریاد را در انتظار نامه جلوه دهند

حوزه بنمایم - از شیادی و چابک دستی این رجال حائین  
 نحوه کلیم - و یا بر بی کسی این سلطان مظلوم و ناغمال  
 انداختن این پادشاه صاف درون ندبه تا نیم  
 این شرایطیکه ذکر شد فقط برای استقراس اولیه  
 بوده - شرایط استقراس ثانوی قدری سخت است که  
 ترمجان خائین - اولاً از خوف هیجان ملت و دیگر از  
 سرافکنندی و خجالت اعلانات اولیه که بیبج يك از  
 حواجید خود وفا نه نمودند و دولت را در زرد ملت  
 ابدالآباد مستغنی از استقراس جلوه داده هنوز عالی  
 نگذشته بود که بار بقرض محتاج گردیدند صلاح در  
 رسمی شدن استقراس ثانوی بدیده در روز نامه رسمی  
 ابدآسی از آن نیاوردند

دفعه اول که اعلان در اخبار رسمی شد محض  
 تکلیف دولت روس بود - از اعلان اولیه دولت روس  
 حسن مات ایرانی را نه اندازه مرده یافت که تصور  
 مخالفت در آنها رود - لذا دوباره تکلیف بدوات ایران  
 در اعلان رسمی نمود - علاوه بر این چون در شرط  
 نامه استقراس ثانوی دولت روس برخی امتیارات از  
 دولت ایران حاصل کرده که اعلانش را مورث ابقاء  
 رقبای خود تصور نموده سیاستش متضی اعلان رسمی  
 شرایط نامه ثانوی با دولت ایران نگردد - ولی شروط  
 استقراس ثانوی که هر یکس برای محومات و اضمحلال  
 دولت ایران کافی تواند بود - بحصور مبارک علای اعلام  
 کتافه امثالهم رسیده اشالله ما در موقع دیگر بمرح  
 کن نیز منفلاً خواهیم پرداخت

۶۲۲ خلاصه - در مقام از شرایط مات بریاد به و دولت  
 در حاکم و بران نمای این استقراس گذشته - سوال میکنیم  
 (آیا امکانی میتواند درین سی جهل ساله نشان دهد  
 دولت مستقل با اقتدار با این روس متبر استقراس تومانی  
 در این زمان بوده باشد؟ - امید هر میانه جمیع درل  
 پول و تومانی يك پول و يك پول و ربع و يك  
 در این صورت است - و لیکن این و استقراس  
 با این شرایطیکه ذکر شد فقط برای استقراس اولیه  
 بوده - شرایط استقراس ثانوی قدری سخت است که  
 ترمجان خائین - اولاً از خوف هیجان ملت و دیگر از  
 سرافکنندی و خجالت اعلانات اولیه که بیبج يك از  
 حواجید خود وفا نه نمودند و دولت را در زرد ملت  
 ابدالآباد مستغنی از استقراس جلوه داده هنوز عالی  
 نگذشته بود که بار بقرض محتاج گردیدند صلاح در  
 رسمی شدن استقراس ثانوی بدیده در روز نامه رسمی  
 ابدآسی از آن نیاوردند





(تومان)	(روز)	(تومان)	(روز)
(۲۶۶۶۶۶)	سال بیست و یکم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال پانزدهم - اصل
(۸۸۰۰۰)	فرع	(۹۷۶۰۰۰)	فرع
(۱۱۴۶۶۶۶)	جنتان	(۱۲۴۶۶۶۶)	جنتان
***		***	
(۲۶۶۶۶۶)	سال بیست و دوم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال شانزدهم - اصل
(۸۶۴۰۰)	فرع	(۹۶۰۰۰۰)	فرع
(۱۱۳۰۶۶۶)	جنتان	(۱۲۲۶۶۶۶)	جنتان
***		***	
(۲۶۶۶۶۶)	سال بیست و سوم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال هفدهم - اصل
(۸۴۸۰۰۰)	فرع	(۹۴۴۰۰۰)	فرع
(۱۱۱۴۶۶۶)	جنتان	(۱۲۱۰۶۶۶)	جنتان
***		***	
(۲۶۶۶۶۶)	سال بیست و چهارم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال هجدهم - اصل
(۸۳۲۰۰۰)	فرع	(۹۲۸۰۰۰)	فرع
(۱۰۹۸۶۶۶)	جنتان	(۱۱۹۴۶۶۶)	جنتان
***		***	
(۲۶۶۶۶۶)	سال بیست و پنجم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال نوزدهم - اصل
(۸۱۶۰۰۰)	فرع	(۹۱۲۰۰۰)	فرع
(۱۰۹۱۶۶۶)	جنتان	(۱۱۷۸۶۶۶)	جنتان
***		***	
(۲۶۶۶۶۶)	سال بیست و ششم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال بیستم - اصل
(۸۰۰۰۰۰)	فرع	(۸۹۶۰۰۰)	فرع
(۱۰۶۶۶۶۶)	جنتان	(۱۱۶۲۶۶۶)	جنتان
***		***	

(۱) تا آخر کمال پانزدهم اصلا و فرعاً چهل کروور و سیصد و هشتاد و سه هزار و نهصد و نود و شش تومان (۲۰۶۶۶۶۶۶۶۶) پرداخته خواهد بود - بمباره آخری پانزده سال برده زحمت کشیده و جبهه رجال (حاجان) دولت و ملت اسلام در سیر قرنگستان صرف اموال نموده باضافه سیصد و هشتاد و سه هزار و نهصد و نود و شش تومان (۲۰۶۶۶۶۶۶۶۶۶) پرداخته خواهد بود - و بجهت سیال دیگر افراد ملت باید اجیر بلکه ذلیل روس باشند و بالغ بر سوم کروور دیگر هم جرایم این قرض رده به بود ازند - حضرت جعفر (ع) قائم المظفر (ع) و جبهه رجال این گونه رجال (حاجان) را با این دولت و دولت و امثال کارگر که نوبت ادب است و این اجاره سامانه طلبه و این بوسه مان -

از ایران برود

(تومان)	(ریز)	(تومان)	(ریز)
۵۲۱۶۶۶	سال سی و چهارم - اصل	۲۶۶۶۶۶	سال بیست و هفتم - اصل
۶۷۲۰۰۰	فرع	۷۸۱۰۰۰	فرع
۹۲۸۶۶۶	جلدان	۱۰۰۰۶۶۶	جلدان
***		***	
۲۶۶۶۶۶	سال سی و پنجم - اصل	۲۶۶۶۶۶	سال بیست و هشتم - اصل
۶۰۶۰۰۰	فرع	۷۶۸۰۰۰	فرع
۹۲۲۶۶۶	جلدان (۲)	۱۰۳۴۶۶۶	جلدان
***		***	
۲۶۶۶۶۶	سال سی و هشتم - اصل	۲۶۶۶۶۶	سال بیست و نهم - اصل
۶۴۰۰۰۰	فرع	۷۵۲۰۰۰	فرع
۹۰۶۶۶۶	جلدان	۱۰۱۸۶۶۶	جلدان
***		***	
۲۶۶۶۶۶	سال سی و نهم - اصل	۲۶۶۶۶۶	سال سی ام - اصل
۶۲۱۰۰۰	فرع	۷۳۶۰۰۰	فرع
۸۹۰۶۶۶	جلدان	۱۰۰۲۶۶۶	جلدان
***		***	
۲۶۶۶۶۶	سال سی و دهم - اصل	۲۶۶۶۶۶	سال سی و یکم - اصل
۶۰۸۰۰۰	فرع	۷۲۰۰۰۰	فرع
۲۸۷۶۶۶	جلدان	۹۸۶۶۶۶	جلدان
***		***	
۲۶۶۶۶۶	سال سی و یازدهم - اصل	۲۶۶۶۶۶	سال سی و دوم - اصل
۶۰۹۰۰۰	فرع	۷۰۴۰۰۰	فرع
۸۵۸۶۶۶	جلدان	۹۷۰۶۶۶	جلدان
***		***	
۲۶۶۶۶۶	سال چهارم - اصل	۲۶۶۶۶۶	سال سی و سوم - اصل
۶۰۷۰۰۰	فرع	۶۸۸۰۰۰	فرع
۸۱۶۶۶۶	جلدان	۹۵۴۶۶۶	جلدان
***		***	

(۲) تا آخر سال سی و پنجم مستاد کرور و شصت و پنج هزار و نهصد و هشتاد و چهار تومان پرداخته شد و مستاد (۴۰۶۵۹۸۴) سبارة اخرى دو برابر آنچه این رجال (عاشق) قرض گرفته اند ملیم - باضافه شصت و پنج هزار و نهصد و هشتاد و چهار تومان بود - بلزوم چهل سال دیگر بجان کردن و ملیم بیض و جالی غیور و مسلمانان با حیانت ما بران باقی است صاحب شریعت مطهره ریخته خاش را برکنند

تومان	( ریز )	( تومان )	( ریز )
(۲۶۶۶۶۶)	سال چهارم و نهم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال چهارم و نهم - اصل
(۴۳۰۰۰۰)	فرع	(۵۶۰۰۰۰)	فرع
(۶۹۸۶۶۶)	جئاتن	(۸۲۶۶۶۶)	جئاتن
***		***	
(۲۶۶۶۶۶)	سال پنجم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال چهارم و دوم - اصل
(۴۶۰۰۰۰)	فرع	(۵۴۴۰۰۰)	فرع
(۶۸۰۶۶۶)	جئاتن	(۸۱۰۶۶۶)	جئاتن
***		***	
(۱۶۶۶۶۶)	سال پنجم و نهم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال چهارم و سوم - اصل
(۴۰۰۰۰۰)	فرع	(۵۲۸۰۰۰)	فرع
(۶۶۶۶۶۶)	جئاتن	(۷۹۴۶۶۶)	جئاتن
***		***	
(۰۶۶۶۶۶)	سال پنجم و دوم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال چهارم و چهارم - اصل
(۳۸۴۰۰۰)	فرع	(۵۱۲۰۰۰)	فرع
(۶۵۰۶۶۶)	جئاتن	(۷۷۸۶۶۶)	جئاتن
***		***	
(۲۶۶۶۶۶)	سال و پنجم و سوم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال چهارم و پنجم - اصل
(۳۶۸۰۰۰)	فرع	(۴۹۶۰۰۰)	فرع
(۶۳۴۶۶۶)	جئاتن	(۷۶۲۶۶۶)	جئاتن
***		***	
(۰۶۶۶۶۶)	سال پنجم و چهارم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال چهارم و ششم - اصل
(۳۵۴۰۰۰)	فرع	(۴۸۰۰۰۰)	فرع
(۶۰۸۶۶۶)	جئاتن	(۷۴۶۶۶۶)	جئاتن
***		***	
(۱۶۶۶۶۶)	سال پنجم و پنجم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال چهارم و هفتم - اصل
(۳۳۶۰۰۰)	فرع	(۴۶۴۰۰۰)	فرع
(۶۰۲۶۶۶)	جئاتن	(۷۳۰۶۰۰)	جئاتن
***		***	
(۲۶۶۶۶۶)	سال پنجم و ششم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال چهارم و هشتم - اصل
(۳۲۰۰۰۰)	فرع	(۴۴۸۰۰۰)	فرع
(۵۸۶۶۶۶)	جئاتن	(۷۰۴۰۰۰)	جئاتن

(تومان)	(ریز)	(تومان)	(ریز)
(۲۶۶۶۶۶)	سال شصت و پنجم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال پنجاه و هفتم - اصل
(۱۷۶۰۰۰)	فرع	(۳۰۴۰۰۰)	فرع
(۴۴۲۶۶۶)	جفتان	(۵۷۰۶۶۶)	جفتان
•••		•••	
(۲۶۶۶۶۶)	سال شصت و ششم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال پنجاه و هشتم - اصل
(۱۶۰۰۰۰)	فرع	(۲۸۸۰۰۰)	فرع
(۴۲۶۶۶۶)	جفتان	(۵۵۴۶۶۶)	جفتان
•••		•••	
(۲۶۶۶۶۶)	سال شصت و هفتم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال پنجاه و نهم - اصل
(۱۴۴۰۰۰)	فرع	(۲۷۲۰۰۰)	فرع
(۴۱۰۶۶۶)	جفتان	(۵۳۸۶۶۶)	جفتان
•••		•••	
(۲۶۶۶۶۶)	سال شصت و هشتم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال شصت و نهم - اصل
(۱۲۸۰۰۰)	فرع	(۲۵۶۰۰۰)	فرع
(۳۹۴۶۶۶)	جفتان	(۵۲۲۶۶۶)	جفتان
•••		•••	
(۲۶۶۶۶۶)	سال شصت و نهم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال شصت و یکم - اصل
(۱۱۲۰۰۰)	فرع	(۲۴۰۰۰۰)	فرع
(۳۷۸۶۶۶)	جفتان	(۵۰۶۶۶۶)	جفتان
•••		•••	
(۲۶۶۶۶۶)	سال هفتادم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال شصت و دوم - اصل
(۹۶۰۰۰)	فرع	(۲۲۴۰۰۰)	فرع
(۳۶۲۶۶۶)	جفتان	(۴۹۰۶۶۶)	جفتان
•••		•••	
(۲۶۶۶۶۶)	سال هفتاد و یکم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال شصت و سوم - اصل
(۸۰۰۰۰)	فرع	(۲۰۸۰۰۰)	فرع
(۳۴۶۶۶۶)	جفتان	(۴۷۴۶۶۶)	جفتان
•••		•••	
(۲۶۶۶۶۶)	سال هفتاد و دوم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)	سال شصت و چهارم - اصل
(۶۴۰۰۰)	فرع	(۱۹۲۰۰۰)	فرع
(۳۲۰۶۶۶)	جفتان	(۴۵۸۶۶۶)	جفتان
•••		•••	

دوطرف کسر جزئی حاصل شود ن دو کسر را در برابر یکدیگر انداخته جمله حساب را پی کسر بگیرد. درین صورت اولاً فرق پیدا نمیکند - و اگر هم فرقی حاصل شود از قبیل اجزاء لایحزی است که در حسابهای بزرگ قلم انداز میشود - درین حسابم در تقسیم اصل یعنی چهل کرور را بر هفتاد و پنج سال سالانه شش قران و سیزده شاهی و چند دینار کسر بود که در تقسیم آورده نشد بعبارة اخری تقسیم چهل کرور بر هفتاد و پنج سال دویست شصت و هزار و شصت و شصت و شش (۲۶۶۶۶۶) تومان و شش قران و سیزده شاهی و چند دینار می شود - از آن طرف در تزیل اقساطیکه همه ساله از اصل داده شده کم میشود - قابل کسر حاصل میشود - یعنی پانزده هزار و نهصد و نود و نه (۱۵۹۹۹) تومان و نه قران نوزده شاهی و چیزی بود که شانزده هزار تومان بحساب آوردیم

در متن واقع چند دینار از شانزده هزار تومان که همه ساله از سود اصل کم می شود کسر داشت که در برابر کسر اصل که تقسیم بر هفتاد و پنج سال شده گرفته نشد چون حساب کلی و از دوطرف کسر جزئی است هر دو را انداخته نتیجه درست بیرون می آید - تصریح بر این عنوان محض است که حائنین باوه گو حساب انگشت شمار تصور نمایند

نکته دیگری نیز که درین صورت حساب تشریحش لازم و خالی از اهمیت نیست آنکه برخی را عقیده بر این است که استقراض اولیه را دولت ایران از دولت روس بفرع تومانی یکشلی کمتر گرفته - بعبارة اخری میگویند فرع این استقراض صدی پنج است - در صورت ثبوت این معنی و به تصدیق رسیدن آن - شش يك از فرع هفتاد و پنج سال کم خواهد شد - یعنی پانزده کرور و صد هزار تومان ( ۲۶۰۰۰۰۰۰ ) ار بود و يك کرور و صد هزار تومان ( ۴۵۱۰۰۰۰۰۰ ) فرع کل کم خواهد گردید - باین حساب علاوه بر چهل کرور اصل - هفتاد و شش کرور ( ۲۸۰۰۰۰۰۰۰ ) فرع

(ریز)	(تومان)
سال هفتاد و سوم - صل	(۲۶۶۶۶۶)
فرع	(۴۸۰۰)
جفتان	(۲۹۱۶۶۶)
•••	
سال هفتاد و چهارم - اصل	(۲۶۶۶۶۶)
فرع	(۲۲۰۰۰)
جفتان	(۲۹۸۶۶۶)
•••	
سال هفتاد و پنجم صل	(۲۶۶۶۶۶)
فرع	(۱۶۰۰۰)
جفتان	(۲۸۲۶۶۶)
•••	
جمع - اصل	۲۰۰۰۰۰۰۰
جمع - فرع	۴۵۶۰۰۰۰۰
جفتان	۶۵۶۰۰۰۰۰

علاوه بر اصل فرعیکه مات فلك زده بچاره باید در هفتاد و پنج سال جان بکنند و با که بچین و هرق جین پیدا کرده از قوت خود و عیال خویش کم نهاده دو فرع این چهل کرور بیکه نامش را رجال خان صرف اهوراوت کرده بدهند نود و يك کرور و یکصد هزار تومان است (۴۵۶۰۰۰۰۰)

جمع اصل و فرع که باید ملت فلك زده سیه روزگار به پرداخت بکشد و سی و يك کرور و یکصد هزار تومان است (۶۵۶۰۰۰۰۰)

باری چون محصل است برخی از کج بختان معجوج خیال محض فضیلت فروشی - و اظهار دانش برخی جوئیلت را مدین صورت حساب غلط ظاهر داشته چنان تصور نماید که این صورت حساب هم مانند سایر حسابات انگشت شمار حائنین است که بری دولت بالا می آورند

لذا لازم شمردیم که برخی از نکات راجحه بدانرا هم تشریح بکنیم که هرگاه در حسابهای کلی که از

جد پنج که از نومان یکشمار هم کتر است خواهد داد - که جاتان اصل و فرع یکصد و شانزده کروبی باشد (۵۸۰۰۰۰۰۰) - این آخرین مصایبت که احدی را جای شبه و سخن نیست و هیچ يك از خائنین را درین صورت حساب کلامی نتوند بود - و حال آنکه از قرائن خارجه و تصدیق جعی از موثقین و اطلاعات وانه قرضه اول بقرع صدی پنج و استقرض نانی صدی هفت بوده است - که روپهم رفته سود صدشش بر جمله وجوه استقراضی تعلق گرفته است و همین جبهه بود که ما نیز فرع را صدشش حساب کردیم

یاز خائنین ملت و دولت خواهند گفت که بهای اعلام (القاه شبهه) شده - آیا آنچه درین عنوان بیان شده - سطرئ - کله - حرفی - نقطه را میتوان تردید و یا انکار کرد؟ آیا مملکت و هات فروشی بالاتر ازین تصور می شود؟ آیا اضمحلال مهابین و تسایط حکفار ازین بیشتر بتصور می آید؟ آیا اشتباه کاری بالاتر ازین در پیشگاه سلطنت عظمی میتوان کرد؟ آیا انقراض سلطنت را از يك دودن جلیلی بهتر ازین سامان میشود نمود؟ آیا هیچ دست نشاندۀ بهتر ازین میتواند چشم بندی و جادو نماید - اف بر این مدرک! تف بر این مشعرا يك نکته نیز قابل بیان است که کله میشود (توجه) که از شومی این رجال خائن تا ایندرجه ملت و دولت اسلام را پست و ذلیل کرده از دستگاه جمیع دول و مال حق و حشیان افریقا - و بربری زادگان بربر مرتفع گردیده است - فرضاً خائنین دولت اسلام بگویند این کله میشود مأمونه تاکنون از دستگاه دولت ایران منسوخ نشده باز هم در اجماع کلامی بر معنی و سخن زهیده و بوج است - و احدی نسایم نخواهد نمود - چه اصل و فرع این وجه استقراضی جمیع افراد ملت بچاره فلك زده حق کناسان و خاکرویان بلکه بیرزنیهای بیوایه برشفتن چرخ حصه از آن را باید به بردازند - برعلیان پوشیده نیست که شخص شخص یا پادشاه شخصاً از خود دارای جبهه نیست که تصور شود پادشاه از

مال خود این قرضه را خواهد برداشت

رجال (خان) ذوات تشکله جبهه یاری و مبارزه است و زله گیر از پت المسال مسلمین اند - آنچه باید داد ملت میدهد - در بنصورت عقلاً و شرعاً جمیع افراد ملت حق هروسان در حبلها حق باز پرس ازین وجه استقراضی که در متن واقع ملک فروشی کرده ماند و بحث در کیفیات آن میباشد - چه رسد بهای اعلام کثرتهم امثالهم که شریک سلطنت و رؤسای روحانی و حافظ و نگاهبان ملک و ملت و دولت اسلام اند - اگر عاهای اعلام چند صباحی ساکت ماندند حقوق آنها در سلطنت روحانی اسلام ضایع نگردیده و نخواهد گردید

حالا خائنین دانستند که عاهای اعلام کثرتهم امثالهم از جمیع نکات واقف و از جمله مضار و منافع ملک آگاهند و درک مفاسد مقاصد آنان حسی میباشد - و ابدای القای شبه ضرورت نبوده و نیست

بلی - اگر دست خیانت در کار نبوده - و رشوه حلواری درین نبود - و مملکت و رعیت فروشی نکرده اند - چگونه در عرصه چند ساله نوسکوری دولت با مواجب معین بالغ بر دو بیست کروور تومان میتوان در بانگهای خارجه جمع نمود؟ و بجه منوال بجهه کروور تومان املاک در داخله و خارجه میتوان حاصل کرد؟ و بجه قسم میتوان دارای نشان بزرگی که شخص اقدس شاهنشاهی که ولینعت او پدر در پدر اوست از روس حاصل نمود؟ - افسوس که تاکنون عاهای اعلام را برده دری خائنین دولت علناً قصد و عنزم نمیباشد - ورنه شرایط مخفیانه که (خان) ذوات در ماده همین استقراض در باره خود با دولت روس نموده و مبالغ هنگفتی که در لژیهای این خیانت عملت و دولت و ولی نعمت خود حاصل کرده است يك يك و با بر شمرده پنجمها بر باد و جلها را آفتابی مینمودیم - باید دانست که ازین و بعد خیمت بخدام صادق و خیانت نوکران خائن دولت و ملت دستور نخواهد ماند

عاهای اعلام با هیچ نکته نیز نکات خیانت خائنین



جدو امپراطور استریا به نام سپسالار کل قشون دولت انگلیس سلام داد - امپراطور معصم استریا خیلی شرم نمود بکهنی و اتحادی را که پادشاه انگلیس حاصل نمود است

۵) بیع گار (ریکن) خرد بیدند که در درمیان روسی و ژاپون در راه پیور و کوز از ۱۳ تا ۱۴ (بریک) است

۶) در راه روسی که تخریب روسی در راه روسی است

۷) روسی استریا معصم روسی در راه روسی است

۸) روسی (کامو) روسی بورد دولت روسی در راه روسی است

۹) گداره روسی روسی بورد دولت روسی در راه روسی است

۱۰) روسی در راه روسی است

۱۱) روسی در راه روسی است

۱۲) روسی در راه روسی است

۱۳) روسی در راه روسی است

۱۴) روسی در راه روسی است

۱۵) روسی در راه روسی است

۱۶) روسی در راه روسی است

۱۷) روسی در راه روسی است

۱۸) روسی در راه روسی است

۱۹) روسی در راه روسی است

۲۰) روسی در راه روسی است

استریا در ملک خود بده بود و در راه روسی است

۵) روسی در راه روسی است

۶) روسی در راه روسی است

۷) روسی در راه روسی است

۸) روسی در راه روسی است

۹) روسی در راه روسی است

۱۰) روسی در راه روسی است

۱۱) روسی در راه روسی است

۱۲) روسی در راه روسی است

۱۳) روسی در راه روسی است

۱۴) روسی در راه روسی است

۱۵) روسی در راه روسی است

۱۶) روسی در راه روسی است

۱۷) روسی در راه روسی است

۱۸) روسی در راه روسی است

۱۹) روسی در راه روسی است

۲۰) روسی در راه روسی است



جرایم ارتقا یافته و در وقتیکه...

در این خصوص آذورد حکم خودت بانگلستان نمودند  
 و جمعی از افسران سرویا گرفتار و ۱۷ نفر نیز در  
 مقام پلین (نوشته شده اند) - افواه است که حکومت  
 نبره برخی کتابیکه در قتل پادشاه سرویا و که شرکت  
 کرده بقتل رساند

(۱۳۰۵ خ دی الحادی - ۵ شهریور)

این امر به تحقیق پیوسته که (۷۰۰) نفر از سرویا  
 تر عرض داشتی صده نهاده نزد پادشاه (نیز قاراجوج)  
 فرستاده اند که اگر قتل پادشاه و ملک را بسزا  
 نرسانند آنها خود اقدام نموده آنها را بقتل خواهند  
 رسانید

وقایع ننگر (دور) ریگی مینوسد که در آن کشتی  
 انگلیسی (استلی زور) نگرانی به مساوی خود  
 زده که چهار را دوت زبون از ورود است کرد  
 معلوم می نمود - که زبون غرض بدسول چهارم بوده  
 نشود نکرده است - کبار هم در بعد از چند ساعت  
 سوار کشتی شده داخل شد

اسامی وکلای محترم حبل المین  
 آردیل - مقرب الحاقان و معتمد السانسان و بیس  
 استغاف

ارومیه - جناب جلالت مآب عالی آقا بیگ - سینه  
 امیر بیخه نائب پیش خدمت نشی عالی حضرت هابونی  
 ایروان - جناب نظامت صاحب آقای صادق الملک  
 خوسل نوات عالی ایران

از شیر - عمده التجار والاعیان والاهم حاجی محمد  
 باقر آقا تاجر اسفهای

اربعه - مقرب الحاقان رئیس استغافه مبارکه  
 انورف - مقرب الحاقان رئیس استغافه مبارکه  
 اولی - عمده الاطعمه آقا میرزا بوذر ازلی  
 اسفهان - عمده التجار و معتمد السلطان آقا  
 عبدالعزیز بختاب  
 اسفهان - عمده التجار والاعیان آقا میرزا محمد علی

ارباب طهران

بجی - عمده التجار والاعیان آقا میرزا محمود  
 ناصر کاشانی

محمود - مقرب الحاقان رئیس استغافه - رکه  
 نوشهر - و انیسکه - معتمد السلطان آقا میرزا  
 عدالوهاس - حن مروش الملک

بصره - عمده التجار والاعیان آقا محمد  
 عبدالله تاجر کارروی

بندر عباس - مقرب الحاقان رئیس استغافه - رکه  
 ارومیه - عمده التجار والاعیان آقا محمد حسن  
 آقا تاجر دونه

بندر گز - عمده التجار والاعیان آقا میرزا  
 عبدالله تاجر مدروی اکبر بیوی

بوهران - معتمد السلطان آقا میرزا محمد  
 بیگلر با عمده تجار والاعیان آقا میرزا  
 حاجی عبدالله افی

تربت حیدریه - مقرب الحاقان رئیس استغافه  
 خوشیز - مقرب الحاقان رئیس استغافه

تفلیس - معتمد السلطان آقا میرزا حسن  
 یاور امین تذکره

تاجی و حر - مررب - سرد - عمده تجار  
 والاعیان آقا میرزا علی آقا تاجر مدنی

خراسان - معتمد السلطان آقا میرزا صادق  
 معاون روزنامه ادب

خرم آباد فلی - معتمد السلطان میرزا علی محمد  
 حن مرهنگ

حمه - حاجی جلالت صاحب آقای شاد الملک  
 درجز - معتمد السلطان میرزا اسماعیل خان سرهنگ

رنگور - معتمد السلطان آقا عدالوهاس صاحب  
 نسر اسفهای

رشت - معتمد السلطان آقا میرزا حبیب الله حن  
 مدیر مدرسه وطن

رضهجان - معتمد السلطان رئیس استغافه مبارکه